

آرزو

بیا تا همدل و همسنگر و هم آشنا باشیم

به گوش هم نوای عشق و آهنگ دعا باشیم

به حال خویش نگاهی و به دست فعل تدبیری

به کام زنده گی قول و حدیثِ مجتبی باشیم

در این وحشت سرا هر دم ز کابوس تنم لرزید

انیس و همصدا و طاقتِ هر بینوا باشیم

به حکم و وعده ی معشوق و میثاقِ نخست

در این طوفان نصیر کشتی موج بلا باشیم

مجال عمر کی دارد توان بار سنگینت

که خاک از آرزو پُر شد بیا رنگ حنا باشیم

از این دریا به ساحل پا کشیدن شرط نیست

به روح خسته ای امید به بیماری دوا باشیم

جهان را هست از اول گروگان عدم کردند

تراب پاینده کی ماند بیا آب بقا باشیم

سر عیش و نشان پای در این محفل کجا ماند

به عمر بی اجل اندیش به امید لقا باشیم

ز سر معمور سازیم کلبه ای ویرانه ی دل را

به دولت خانه کوران به یک چشم پادشاه باشیم

نه مزد سجده و دست دعا باشد (نشیط)

گر از لطف خدا آن جا قرینِ مصطفی (ص) باشیم